

## یادداشت ۱۲

### گزارش دوازدهمین روز محاکمه‌ی حمید نوری (عباسی) از استکهلم امیر جواهری لنگرودی

دوشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۰ برابر با ۰۶ سپتامبر ۲۰۲۱



روز دوشنبه (ششم سپتامبر برابر ۱۵ شهریور)، ساعت ۱۰ و پنجاه دقیقه صبح به وقت تهران، دوازدهمین جلسه دادگاه حمید نوری در سالن شماره ۳۷ دادگاه مرکزی استکهلم پایتخت سوئد برگزار شد!

دادگاه مرکزی شهر استکهلم روز دوشنبه ششم سپتامبر، همچون روزهای پیشین به جرمیات جرم‌های حمید نوری بعنوان دادیار زندان گوهر دشت برای برشماری جرم‌های دو ماهه مرداد و شهریور تابستان ۶۷ و اختصاص دارد.

از حواشی دادگاه امروز به زعم متهم حمید نوری، صدای شعار اجتماع اعتراضی فعالین جانبدار سازمان مجاهدین در خیابان و روبروی دادگاه که با خواست مرکزی آنان محاکمه تمامی سران نظام و خاصه ابراهیم رئیسی بود که این شعارها برای شخص حمید نوری آزاردهنده و نوعی "شکنجه" بود که کوتاه مدت به تعطیلی دادگاه انجامید!

این جماعت بوگندو و اشکیوس یادشان رفته که در درون زندان‌ها با پخش صدای نخرانیده مرثیه خوان خودشان "آهنگران" و بالا کشیدن صدای بلندگو

هر حدی که می خواستند، صدای نحس آهنگران و دهها مرثیه خوان و موعظه گوی منبری را بر زندانی تحمیل کنند !!

حالا نوری شعار فعالان سیاسی را بر نمی تابند و برایش گوش خراش "شکنجه" جلوه می کند و در جلسه گذشته هم از ریاست دادگاه خواستار این شد که جمعیت تظاهر کنندگان را "به بیابان های اطراف ببرند."

می گویند: یکی رابه ده راه نمی دادند، دنبال کدخدا می گشت. جنایتکارانی که این همه انسان های شریف را از خندیدن - حرف زدن - دفاع از خود در چهار دیواری زندان ها محروم کردند و تنها شلاق و شکنجه را بر تن آنان جاری ساختند . امروز نیز می خواهد باز در کف خیابان های استکهلم هم اعمال اراده و قدرت نماید و دادگاه را از پیشروی باز دارد. مرتب از صدای اعتراض خیابانی و شعار سردادن های فعالان سیاسی و اجتماعی و خانواده های دادخواه، غش و ضعف میرود و آنرا عین " شکنجه" می نامند !

باری بر پایه پخش مستقیم دادگاه از استکهلم، دوازدهمین روز دادگاه حمید نوری با اظهارات چهارمین شاکی و شاهد آقای همایون کاویانی روبرو هستیم.

در این روز، جلسه به این ترتیب پیش رفت که در ابتدای کار وکیل مدافع همایون کاویانی او را به دادگاه معرفی کرد.

او اظهار داشت: همایون کاویانی در ۱۷ سالگی به اتهام هواداری سازمان مجاهدین خلق بازداشت و به حبس ابد محکوم شد، اما بعدتر از زندان آزاد شد. به گفته وکیل مدافع همایون کاویانی او یک بار نزد «هیئت مرگ» برده شد و در «راهروی مرگ» هم بود.

وکیل مدافع افزود: کاویانی را که بزرگ شده شهر تهران است و اقتصاد خوانده، شخص حمید نوری نزد هیأت مرگ برد. او از سال ۲۰۰۸ در سوئیس زندگی می کند و به دلیل دشواری فشار زندان، پس از مدتی امکان کار کردن را از دست داد و نیازمند مراقبت پزشکی و روان پزشکی است.

پس از صحبت های وکیل همایون کاویانی در معرفی اش به دادگاه، دادستان خانم کریستینا کارلسون، گفت وگو با کاویانی را آغاز کرد.

همایون کاویانی در سال ۱۳۶۰ به جرم شرکت در تظاهرات مجاهدین دستگیر می شود. او اظهار داشت که در یک دادگاه ده دقیقه ای به جرم مشارکت در تظاهرات هواداری از سازمان مجاهدین و ضدیت با نظام جمهوری اسلامی، به حبس ابد محکوم شدم.

همایون کاویانی بخشی از محکومیت خودش را در زندان گوهر دشت گذرانده است. او در دادگاه از حضورش در "هیئت مرگ" گفت. او یاد آور شد که در "راهرو مرگ"، حمید عباسی را دیده است که زندانیان را به محل اعدام می برده است.

کاویانی برآنست که من سال ۶۶ حمید نوری را در گوهر دشت دیدم و در آن سال ۷۰ برای بار آخر بود که ایشان را در زندان اوین دیدم.

کاویانی در پاسخ به سؤال دادستان که از او می پرسد روسای زندان چه کسانی بودند و برای نخستین بار، کجا و چه وقت حمید عباسی (نوری) دیده است؟ کاویانی می گوید: ناصریان دادیار بود و حمید عباسی معاون او بود. چند پاسدار هم بودند. "لشکری" هم بود که همواره لباس فرم پاسداری می پوشید، اما "عباسی" و "ناصریان" لباس شخصی به تن داشتند.

کاویانی در ادامه سئوالات دادستان، از شکنجه هایی گفت که توسط حمید عباسی و همکارانش انجام می گرفت، صحبت به میان آورد. کاویانی گفت: که در اثر کابل های عباسی و همکارانش، برخی از دوستانش نابینا شدند. آنها برای برخی از زندانیان پرونده سازی کردند و بعد از اعزام به زندان اوین، تیرباران شدند. کاویانی که با تانی و خون سردی به سئوالات دادستان و کلا پاسخ می داد، گفت: که در اثر ضرب و شتم حمید عباسی، فک اش می شکند و زانوی اش آسیب می بیند.

دادستان از همایون کاویانی پرسید: که در روزهای اعدام و وقتی که شنید بسیاری از دوستان اش اعدام شدند، چه احساسی داشته است؟ کاویانی گفت: روزی که به بندرفت و متوجه شد که دوستان اش اعدام شده اند، گریه کرده است. نبودن یکایک آنان و دیدن وسایل شان، برای اش بسیار سخت بود.

او در ادامه، در پاسخ به سئوالی از دادستان، که از او پرسید: چند بار حمید عباسی را دیده است؟

کاویانی از زمانی گفت: که در هواخوری، مشغول ورزش دسته جمعی بودند و حمید عباسی می‌آید و به آنها می‌گوید؛ ورزش دسته‌جمعی ممنوع است. بعد نیز، پاسداری می‌آید و به همه چشم بند می‌زند. آنها را از تونل انسانی که سپاه و توابین در دوسوی مسیر آنها درست کرده بودند، عبور می‌دهند، آنان را مفصل کتک می‌زنند. سپس آنها را به اتاق کوچکی می‌برند که بدون پنجره و روزنه بوده است. در این اتاق دچار نفس تنگی می‌شوند و ضعف می‌کنند.

همایون کاویانی به دادستان گفت: جدا از این در زندان اوین نیز با حمید عباسی برخورد داشته است.

دادستان از کاویانی می‌پرسد: زمانی که عکس عباسی را دیدی، چه حسی پیدا کردی؟

کاویانی در پاسخ دادستان گفت: "بغض کردم. ناراحت شدم و گریه کردم". دادستان از او پرسید، آیا قبل از اینکه پلیس به او عکس حمیدنوری را نشان دهد، در جای دیگری عکس او را دیده بود؟

کاویانی پاسخ می‌دهد: "نه".

دادستان از کاویانی پرسید: این حمید نوری است؟

کاویانی با بغض و چشمانی پر از اشک گفت: این حمید نوری است و اضافه کرد: نوری هم مرا می‌شناسد و مطمئنم مرا به جای می‌آورد.

دادستان نقشه‌ای از زندان گوهردشت نشان داد و از کاویانی پرسید که ساختمان ۲۱ کجای این نقشه است؟

چون فاصله دور بود کاویانی متوجه نشد اما حمید نوری بلند شد و با خودکار نشان داد این جاست!

و این دومین فولی بود که حمید نوری طی این جلسات از خود نشان داده است.

دادستان: شما چه موقعی متوجه شدید، تحقیقات مقدماتی در پلیس سوئد درباره دستگیری یک ایرانی در جریان است؟

همایون کاویانی: در رسانه‌ها دیدم.

دادستان: کی و در چه وقتی؟

همایون کاویانی: فکر کنم سال ۲۰۱۹ بود. فقط خبری خواندم کسی دستگیر شده است، نامی از وی برده نشده بود؟

دادستان: وقتی شنیدید چه کار کردید؟

همایون کاویانی: من از ایرج مصداقی سؤال کردم چه خبر است؟ چون او در رسانه‌ها فعال بود. گفت فعلا نمی‌توانم حرفی بزنم، چون مسئولیت حقوقی دارد. زمانش برسد خبرت می‌کنند. تا این که مشخص شد و پلیس مرا خواست تا شهادت بدهم. عکس او را اولین بار در آنجا در بین چند تا عکس دیگر دیدم.

دادستان: کی را می‌گویید؟

همایون کاویانی: حمید نوری را.

دادستان: کجا دیدید؟

همایون کاویانی: همان ساختمان پلیس سوئد با آقای یوران رفتیم پلیس حدود ۱۰ تا ۲۰ عکس بهمن نشان داد و پرسید نوری کدام یکی از این عکس‌هاست؟ من هم عکس او را نشان دادم.

دادستان: وقتی عکس نوری را دیدی چه حسی به شما دست داد؟

همایون کاویان: متاسف شدم.

دادستان: ادامه دهید.

همایون کاویانی: هنوز هم درمان من در سوئیس در مرکز شکنجه دیدگان ادامه دارد. دکتر من در سوئیس گفته است درمان من باید ادامه یابد. این ماجرا را به این دلیل می‌گویم عکس نوری را دیدیم خیلی به هم ریختم. من پس از ۳۳ سال هنوز با بچه‌های اعدامی زندگی می‌کنم. آن‌ها کاری نکرده بودند و همه حکم داشتند.

دادستان پرسید: چرا این قدر مطمئن هستید که او شما را می‌شناسد؟

همایون کاویانی گفت: چون تا آن موقع خیلی‌ها را اعدام کرده بودند و خیلی کم از زندانیان باقی‌مانده بودند و به‌همین دلیل او مرا به یاد می‌آورد.

دادستان گفت: آیا شما بدلیل دشواری‌های جسمی و روحی و آسیب‌های به‌جامانده از زندان همچنان درمان می‌شوید؟

کاویانی پاسخ داد: بله همچنان به‌دکترم مراجعه می‌کنم. پزشک معالج ام خیلی تمایل داشت که در دادگاه حضور یابد ولی نشد!

دادستان گفت: بلی من با پزشک ات ارتباط و صحبت داشته‌ام.

دادگاه پیش از طرح سوالات و کیلان مدافع حمید نوری اعلام تنفس کرد. پیش از آغاز این تنفس، نوری از رئیس دادگاه خواست نیم ساعت استراحت بدهد تا او بتواند با وکیلانش صحبت کند. رئیس دادگاه وقفه را تا ساعت ۱۵ به وقت محلی اعلام کرد.

با آغاز دوباره جلسه همایون کاویانی به سوالات پاسخ می‌دهد.

همایون کاویانی در پاسخ به سوال دانیل مارکوس، یکی از وکیلان مدافع حمید نوری که درباره دیدن عکس حمید عباسی پیش از بازجویی پلیس سوئد سوال کرده بود، گفت: «نام او منتشر شده بود اما عکسش هنوز منتشر نشده بود.»

وکیل مدافع حمید نوری پرسید: یعنی شما سوم دسامبر که برای بازجویی رفتید عکس او را ندیده بودید؟

همایون کاویانی: نام او منتشر شده بود اما عکس نه.

وکیل مدافع نوری: اما دادستان برای شما خواند که گفته بودید عکسش را دیده‌اید؟

همایون کاویانی: شاید در ترجمه اشتباهی رخ داده باشد.  
وکیل مدافع نوری ادعا کرد صحبت‌های کاویانی از زمان بازجویی پلیس تغییر کرده است. او به بخش دیگری از بازجویی پلیس از همایون کاویانی پرداخت و پس از تأیید رئیس دادگاه گفت: «بازجویی شما از شما پرسیده است آیا شما این عکس‌ها را دیده‌اید؟»

شما در پاسخ گفته‌اید: بله، در مدیا چاپ شده.  
بازپرس دوم پرسید: آیا عکسی که در مدیا دیده‌اید، شبیه همان عکس‌هایی است که در مدیا دیده‌اید؟

شما پاسخ می‌دهید که بله، خودش است.  
بازپرس شماره یک می‌پرسد: وقتی خبر را خواندی و عکس‌ها را دیدی، او را شناختی؟ و شما بلافاصله پاسخ داده‌اید که بله، آیا حرف شما از آن روز تا امروز تغییر کرده است؟»

همایون کاویانی تأکید کرد: عکس‌ها را در اداره پلیس دیده است. و باز تکرار کرد که او تنها خبر بازداشت حمید نوری را در رسانه‌ها دیده است و نه عکس او را.

وکیل حمید نوری گفت: پس آنچه در اداره پلیس گفته‌اید، غلط است؟  
کاویانی گفت: بله، آنچه به این شکل گفته شده باشد را به خاطر ندارد.  
وکیل مدافع حمید نوری در ادامه به روایت معرفی "ناصریان" و "حمیدعباسی" به زندانیان به عنوان دادیار پرداخت و به نام "عرب" رسید که همایون کاویانی گفته است او هم در دادیاری زندان بوده است.  
کاویانی این گفته را تأیید و تکرار کرد که خودش با "عرب" سر و کار نداشته است.

وکیل حمید نوری در ادامه درباره داود لشکری سوال کرد و از سمت او پرسید.  
همایون کاویانی گفت: که لشکری پاسدار و به احتمال قریب به یقین مسئول امنیت داخلی زندان بوده است. او گفت که لشکری هم لباس فرم می‌پوشیده، اما ناصریان و عباسی (حمید نوری) لباس شخصی می‌پوشیده‌اند.  
وکیل مدافع حمید نوری درباره کتاب ایرج مصداقی پرسید، آیا آنها را خوانده‌اید؟

همایون کاویانی گفت: این کتاب‌ها را نخوانده است و توضیح داد که نقشه‌های ترسیمی ایرج مصداقی و نقشه زندان را در گوگل مپ و نزد پلیس سوئد دیده است.

سپس وکیل مدافع درباره چشم‌بند و شرایط و زمان استفاده از آن پرسید "همایون کاویانی پاسخ داد: «چشم‌بند تقریباً شخصی شده بود هم برای امر سلامت و هم برای اینکه بتواند کاری بکند که از پشت آن بیشتر ببیند.» وکیل حمید نوری پرسید: یعنی چه کار می‌کردید؟

کاویانی گفت: «آن قسمت پارچه‌ای را سوزن سوزن می‌زدیم یا کاری می‌کردیم که نازک‌تر شود تا بتوانیم از پشت آن بیشتر ببینیم. یا مثلاً لنگ، آن بخش که رنگ بیشتری داشت را نازک می‌کردیم تا بتوانیم پشت آن را ببینیم و کسی هم متوجه نشود.»

همایون کاویانی درباره چشم‌بند خودش گفت: که آن را از آن بند ساختمان شماره ۲۰ برداشته بود. یعنی چشم‌بند زندان بوده و او همان را برداشته و راهی راهروی مرگ و اتاق هیأت مرگ شده: «شاید کسانی چشم‌بند خودشان را در جیب داشتند اما من نداشتم.»

کاویانی در گفتگوی کوتاهش با حمید عباسیان بیان می‌دارد: روزیکه من زنده ماندم، همیشه دوست داشتم که صدای دوستانم به کل دنیا برسد که چه حد مظلومانه کشته شدند. ما با هم آنجا بزرگ شده بودیم.

حمید نوری چندین بار مرا بعد از ورزش‌های جمعی کتک زده و به همان اطاق‌های گازی که در دادگاه توضیح داده شده، برده است. اما سال شصت شکنجه‌های مختلفی از نوع قپانی و کابل، آویزان کردن و فلک کردن و ... بود که شدیدترینش همان کابل و قپانی بوده است. برای این جماعت هیچ منعی وجود نداشت. می‌گفتند: خون شما مباح است. زیر شکنجه کشته بشوید، هیچ گناهی نیست. اعدام بشوید، گناهی نیست. حتی لاجوردی می‌گفت: حتی اگر اشتباهی کسی را ببرند اعدام کنند، هیچ مشکلی نیست. بیگناه بوده و می‌روید به بهشت!

کاویانی در برابر این پرسش: که روند بررسی پرونده نوری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

حمید کاویانی گفت: من فکر می‌کنم که عدالت راه خود را پیدا می‌کند. فکر می‌کنم صدایی که بعد از ۳۳ سال، این حد قوی به گوش مردمان جامعه ما میرسد، راه خودش را باز می‌کند، چون به واقع اینها خون‌های پاکی بودند.

بر پایه‌ی یادداشت‌های پیشینم بر آنم:

دادخواهی همین است! هم صدا شدن با مادران، پدران، همسران و فرزندان همه‌ی ایرانیان خفته در خاوران‌های ایران، بدون گره زدن نام مبارزان با وام خواهی حقوق بشری اتحادیه‌ی اروپا که نماینده‌اش در جریان مضحک‌هی نشست قاضی مرگ ابراهیم رئیسی بر تخت قوه‌ی اجرایی مهمان این جانی و حاکمیت جنایتکار بوده‌اند.

باری کارما از امروز با دادگاه و محاکمه حمید نوری در استکهلم تازه آغاز شده است، پژواک صدای دادخواهی همه‌ی مردمان رنج کشیده و داغدار، به وسعت ایران باشیم!

جلسه‌ی بعدی دادگاه محاکمه‌ی حمید نوری (عباسی) با تعطیلی روز سه شنبه ، دادگاه در تاریخ روز چهارشنبه ۰۷ سپتامبر ۲۰۲۱ خواهد بود تا یادداشتی دیگر ...